

بررسی خاستگاه‌های دوتن‌انگاری در دانش رجال و تراجم؛ مطالعه موردی: سیدمحسن عراقی

علی حسن بیگی^۱ و محمد حسن بیگی^{۲*}

چکیده

دانش‌های تراجم و رجال در ابتدا ذیل دانش تاریخ قرار می‌گرفت. بعدها در اثر عواملی دو دانش مذکور از دانش تاریخ جدا گردید و هویت مستقلی یافتند. در قرن یازدهم دانش رجال از دانش تراجم جدا گردید. دانش‌های تراجم و رجال به عنوان ابزارهای مهم برای شناسایی شخصیت‌های علمی و دینی مطرح بوده‌اند. اما با گذر زمان، این علوم با مشکلاتی مواجه شده‌اند که یکی از آن‌ها پدیده «دوتن‌انگاری» است. این مشکل باعث می‌شود تا برخی ویژگی‌ها و کارکردها به اشتباه به شخصیت‌های مختلف نسبت داده شود. این مقاله با هدف شفاف‌سازی و آسیب‌شناسی این پدیده به ویژه در مورد سیدمحسن عراقی، معروف به حاج آقامحسن اراکی و حاج سیدمحسن کزازی عراقی، به بررسی منابع موجود می‌پردازد.

در این تحقیق، ابتدا ضرورت این بحث و اهمیت تفکیک هویت‌های تاریخی بیان می‌شود. روش تحقیق، مستند به منابع اصیل و معاصر است که به تفکیک شخصیت‌های مورد بررسی کمک می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از این شخصیت‌ها هویتی مستقل دارند اما به دلیل اشتراک نام، به اشتباه به عنوان یک نفر دیگر نیز تلقی شده‌اند.

در پایان، این مقاله به نقد تراجم‌نگاری می‌پردازد و دلایل و مستندات را برای تأیید ادعای خود ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که نشان دهد چگونه برخی منابع تاریخی به اشتباه این دو شخصیت را با هم اشتباه گرفته‌اند و چهار نفر را به عنوان دو شخصیت شناسایی کرده‌اند. هدف نهایی این مقاله، اصلاح و شفاف‌سازی هویت‌های علمی در آثار تراجم و رجال است تا از تکرار اشتباهات مشابه جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: دوتن‌انگاری، سیدمحسن عراقی، سیدمحسن کزازی عراقی، تراجم‌نگاران، عالمان اراکی.

۱. استاد، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. a-hasanbeigi@araku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴

۲. *دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

بیان مسئله

دانش های تراجم و رجال از دانش هایی هستند که پیشینه دیرینه ای دارند. در ابتدا این دو دانش ذیل دانش تاریخ قرار می گرفتند. بعدها در اثر عواملی دو دانش مذکور از دانش تاریخ جدا گردید و هویت مستقلی یافتند. در قرن یازدهم شیخ حُرّ عاملی (متوفای ۱۱۳۷ق) در سال ۱۰۹۶ با نگارش «أمل الآمل فی تراجم علماء جبل عامل» زمینه جدائی دانش تراجم از دانش رجال را فراهم کرد (سبحانی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۲). پس از او عالمانی از قبیل شیخ عبدالله افندی تبریزی (متوفای ۱۱۳۷ق)؛ سید محمد باقر خوانساری (متوفای ۱۳۱۳ق)؛ سید حسن صدر (متوفای ۱۳۵۴ق)؛ شیخ عباس قمی (متوفای ۱۳۵۹ق)؛ سیدمحسن امین (متوفای ۱۳۷۱ق)؛ مدرس خیابانی (متوفای ۱۳۷۳ق) و شیخ آقابزرگ تهرانی (متوفای ۱۳۸۹ق) به ترتیب با نگارش «ریاض العلماء»؛ «روضات الجنات»؛ «تکمله امل الآمل»؛ «الکئی و اللقب»؛ «اعیان الشیعه»؛ «ریحانه الادب» و «طبقات اعلام الشیعه» در بالندگی دانش تراجم نقش مهمی را ایفا کردند. دانش تراجم با آسیب هایی روبه رو شده است. یکی از آن ها دوانگاری یک شخص است. سیدمحسن عراقی نام و لقب دو تن از عالمان اراکی است که برخی تراجم نگاران هریک را دوتن تلقی کرده است. آیت الله سیدمحسن عراقی معروف به حاج آقامحسن اراکی از عالمان و ثروتمندان اراکی است. او به دلیل برخورداری از دانش فقه، اصول و فلسفه در تربیت عالمان اراکی نقش مهمی را دارد. همچنین خاندان او با دعوت از آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در بالندگی حوزه علمیه اراک و تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله حائری نقش به سزایی دارد. از سوی دیگر آیت الله سیدمحسن عراقی معروف به حاج سیدمحسن هفته ای از شاگردان آخوند خراسانی و یکی از مدرسان حوزه علمیه نجف و اراک است. او با تدریس و تربیت عالمان در حوزه علمیه اراک بر فرهنگ این شهر اثر گذار بود. این نوشتار در صدد جدا سازی دوانگاری است که توسط برخی تراجم نگاران روی داده است. هدف این پژوهش تبیین علل و پیامدهای دوانگاری پیرامون سیدمحسن عراقی است.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

پیشینه پژوهش

در دو دهه‌ی اخیر، مفهوم دوتن‌نگاری در تاریخ‌نگاری و ادبیات فارسی مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه تحقیقاتی پیش از این صورت گرفته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- مقاله «دوتن‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی» این مقاله توسط علی احمدی نوشته شده و در مجله انسان و تمدن منتشر شده است. نویسنده در این مقاله به تحلیل پدیده دوتن‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی می‌پردازد. او از زوایای مختلف به بررسی متون تاریخی و سیر تحول دوتن‌نگاری در روایات اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این پدیده چگونه منجر به تغییر نگرش‌ها و تفسیرهای تاریخی در دوران‌های مختلف گردیده است.

۲- پایان‌نامه «بررسی دوتن‌نگاری در متون ادب فارسی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد نوشته‌ی سارا حسینی در دانشگاه تهران، رشته ادبیات فارسی است که به بررسی دوتن‌نگاری در متون ادبی فارسی می‌پردازد. نویسنده با تحلیل آثار برجسته ادب فارسی، به بررسی الگوهای دوتن‌نگاری در اشعار و نثر کلاسیک می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این پدیده نه تنها در ساختار ادبی بلکه در شکل‌گیری هویت شخصیتی شخصیت‌ها نیز تأثیرگذار بوده است.

۳- مقاله «خاستگاه دوتن‌نگاری و تأثیر آن بر شناخت شخصیت‌های تاریخ» نوشته مهدی اکبری است که در این مقاله به بررسی خاستگاه دوتن‌نگاری و تأثیر آن بر تحلیل شخصیت‌های تاریخی می‌پردازد. او نقش دوتن‌نگاری در روایت‌های تاریخی را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل پیامدهای این مفهوم برای فهم بهتر تاریخ و تاریخ‌نگاری می‌پردازد.

پژوهش‌های فوق نشان‌دهنده اهمیت و گستردگی مفهوم دوتن‌نگاری در تاریخ‌نگاری و ادبیات فارسی هستند. این مقالات و پایان‌نامه‌ها به روشن‌تر شدن ابعاد مختلف این پدیده کمک کرده و نوع الگوی تفکری را که در درک شخصیت‌های تاریخی و ادبی تأثیرگذار است، مطرح می‌کند.

۱. سیدمحسن کزازی عراقی (هفته‌ای) (۱۲۸۷-۱۳۵۹)

سیدمحسن فرزند علی اکبر^۱ فرزند میرصادق از سادات مختاری سبزواری و اولاد عبیدالله اعرج (نوه امام زین العابدین علیه السلام) است که نسبش با سید حسن مدرس در میر اسماعیل یکی می‌شوند^۲ (کرهرودی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۷). سیدمحسن از مشاهیر فقها و اساتید بنام حوزه علمیه اراک بود. وی در حدود سال ۱۲۸۷ در روستای «هفته» واقع در ناحیه

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۵۶

۱. نویسنده کتاب تربت پاکان قم پدر سید محسن را سید محمد ذکر کرده که اشتباه است (جوهر کلام، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۸۹۲).

۲. مقصود سید حسن مدرس نماینده مجلس نیست بلکه مقصود میر سیدحسن مدرّس محله نوبی میر محمد صادقی از سادات میر محمد صادقی معروف اصفهانی است، فرزند میر سید علی واعظ برادر میر محمد صادقی که شجره آن‌ها در [خانواده] میر محمد صادقی‌ها نوشته شده [است]. مدتی در نجف تحصیل نموده، نزد صاحب جواهر و شریف العلماء. پس از تکمیل به اصفهان آمده، در مدرس حاجی که قبل از مسافرت نجف مدتی تحصیل نموده بود باز حاضر می‌شود. حاجی کلباسی مجتهد بودن او را بالای منبر و حضور جماعت اظهار داشته، بعد از مدتی که فضایی محضر حاجی و سایرین ملتفت حسن تقریر و بیان او می‌شوند، مخصوصاً سوغات اصول شریف العلمایی را هم به اصفهان آورده بوده، مایل می‌گردند که مجلس درس مخصوصی منعقد سازد. مجلس درس میر سید حسن مدرّس مجمع فضلا و دارای جمعیت می‌شود و او را وادار می‌کنند به بالای کرسی نشستن. حاجی کلباسی از شنیدن این قضیه متألم می‌گردد و در قلدح او سخن‌سرایی می‌آغازد، از جمله اینکه شنیده بود در وقت تکبیرة الاحرام دست‌های خود را تا سرشانه بالاتر نمی‌برد و همین را عنوان می‌کرده است اشخاصی که مسأله نماز را نمی‌دانند چگونه دعوی اجتهاد می‌کنند. علاوه بر ترویج اصول در اصفهان، از آثار او مسجد جدیدالبناپی است در محله نوکه رحیم خان نامی آن را تمام ساخته و بر سر مقبره مدرّس واقعه در جنب همان مسجد گنبدی می‌سازد. وفات او در سنه هزار و دویست و هفتاد و سه پس از شصت و سه سال عمر، میر سیدحسن اخلاق نیک و رضا و تسلیم را دارا بوده که آمرزا ابوالمعالی فرزند حاجی و شاگرد او تمجید زیادی از او نوشته، و از اطراف محض تحصیل، بسیاری مسافرت به اصفهان کردند. مشهورترین آن‌ها حاج میرزا حسن آیت‌الله معروف [که] از شیراز نزد او آمد. خانواده او به علم و امامت در اصفهان معروفند. و یگانه کسی بود در این اواخر خارج از سلسله خاتون‌آبادی‌ها که دارای لقب مدرّس شد از روی حقیقت (جناب، ۱۳۸۵ش، ص ۴۹۴).

کزآز از توابع شهر اراک، متولد گردید. در کودکی پدرش را که به او «سید شیر» می‌گفتند از دست داد و با همراهی مادر بزرگ خود - مادر پدر - جهت تحصیل به اراک آمد و پس از مدتی علم‌آموزی به مقام استادی رسید و در مدرسه سپهدار اراک به تدریس مشغول شد. از نوشته وی در آخر «أحجیه»^۱ شیخ بهایی معلوم می‌شود او تا سال ۱۳۱۱ در مدرسه مذکور حضور داشته است. از شاگردان او در مدرسه سپهدار که در درس شرح جامی او تلمذ کرده اند می‌توان به سید رحمت‌الله کرهرودی از روحانیان کرهرود اشاره کرد (همان، ص ۳۰). او سپس به اصفهان رفته و در مدرسه صدر به ادامه تحصیل می‌پردازد^۲. ظاهراً سپس به نجف عزمت کرده و مدتی در آنجا ساکن بود. عکسی با مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و چند تن دیگر از علماء دارد که اصل آن نزد آقای خاکباز^۳ می‌باشد و بر پشت آن تاریخ ۱۳۱۷ ثبت گردیده و نشان می‌دهد در این تاریخ در نجف به سر برده است (همان، ص ۱۰۸-۱۰۷). شاید در همین سال یا اندکی قبل به آنجا مهاجرت کرده است (همان).

سید محسن هفته‌ای پس از سپری نمودن مقدمات، به تهران رهسپار شد و در مدرسه صدر سکونت اختیار کرد و دروس عالی فقه را از محضر علامه میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت را از سید ابو الحسن جلوه اصفهانی^۴ بهره‌مند شد. سپس در حدود سال ۱۳۱۹ به

۱. أحجیه بر وزن ترکیه نوعی لغز (چیستان) است.

۲. شیخ آقابزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه و الذریعة إلى تصانیف الشیعة ذکر شده که مرحوم سید محسن هفته‌ای عراقی در مدرسه صدر تهران اقامت گزید (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۷، ص ۱۰۹؛ همان، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۸۲).

۳. سید حسین خاکباز ۱۲۷۶ش - (۱۳۱۵) - دهمین و کوچکترین فرزند ذکور مرحوم حاج آقا محسن اراکی است ده ساله بود که پدر را از دست داد (خاکباز، ۱۳۷۱، ص ۲۴۵).

۴. شاگردی سید محسن هفته‌ای نزد مرحوم جلوه ۱۲۳۸-۱۳۱۴ کمی دشوار است؛ زیرا همان گونه که اشاره شد مرحوم سید محسن هفته‌ای تا سال ۱۳۱۱ در مدرسه سپهدار اراک به سر برده است. از سوی دیگر شیخ آقابزرگ تهرانی می‌نویسد: سید محسن هفته‌ای عراقی آغاز تحصیلات او در تهران بوده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۰۹) و روشن است حضور در درس میرزای جلوه نیازمند به طی سطوح عالی دروس حوزه است. از سوی دیگر در گذشت مرحوم جلوه در سال ۱۳۱۴ است.

حوزه علمیه نجف اشرف عزیمت کرد و دروس خارج را نزد آیات میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آموخت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۰۹). در نجف با دختر حاج رضا صفار ازدواج کرد^۱. مجریان صیغه عقد طبق عقد نامه موجود - که نزد فرزند بزرگترش نگهداری می شود - آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بوده است (کرهودی، همان، ص ۱۰۶-۱۰۷). وی مدت زمانی در سامرا توقف کرد و از محضر آیات آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی و میرزا محمد تقی شیرازی کسب فیض کرد و مجدداً به نجف مراجعت نمود و در مدرسه خلیلی مشغول افاضه گردید. از شاگردان او در نجف می توان به ملاعلی کثوی از عالمان، عارفان، حکیمان و فقیهان بزرگ یاد کرد^۲ (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۶، ص ۱۳۱۱). همچنین شیخ عبدالنبی عراقی نیز از شاگردان نجف او بود (نعیمی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۳۷). در نجف در رواق حرم امام علی (ع) اقامه نماز جماعت می کرد. از آثار او می توان به دو کتاب ۱- تصحیح دوره جواهر الکلام. ۲- تقریرات درس آخوند خراسانی یاد کرد. در حدود سال ۱۳۴۶ به اراک بازگشت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۷، ص ۱۰۹؛ جواهر کلام، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۸۹۲-۱۸۹۳). او در اراک مشغول تدریس فقه و کفایه الاصول و متون دیگر در آن حوزه شد. از شاگردان او در اراک می توان به شیخ یحیی ابوطالبی، حاج آقا مجتبی عراقی، سید اسماعیل نجم الاسلامی (معروف به حاج آقا اسماعیل) و حاج شیخ محمد باقر رفیعی کرهودی اشاره کرد (شریف رازی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۸ و ۱۵۸). قابل یادآوری است او درست زمانی به اراک آمد که فشار رضاخان

۱. یکی از نویسندگان در شرح حال «سید رحمت الله کرهودی» می نویسد: «از اساتید وی، سید محسن هفته‌ای - که بعدها دختر وی را به همسری گرفت، می توان نام برد (نعیمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۷). قابل یادآوری است مرحوم سید رحمت الله کرهودی ۱۲۹۹ش - ۱۳۷۱ که یکی از عالمان و روحانیان کرهود بود و پدر آیت الله سید علی میر یحیی است. سید رحمت الله کرهودی در اثر خود با عنوان علامت های ظهور پس از توصیف «آیت الله سید محسن هفته‌ای» می نویسد: «و در آن حین (حدود سال ۱۳۴۶) من بنده به توفیق الهی صبیبه آقای مرقوم را تزویج نمودم برای قُره عینی و ثمره فؤادی آقای آقا علی» (کرهودی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۹-۱۱۰). همان گونه که ملاحظه می شود سید رحمت الله دختر استادش را به عقد فرزندش مرحوم آیت الله سید علی میر یحیی در آورده است.

۲. یکی از شاگردان نجف ایشان، آیت الله شیخ عبدالنبی عراقی است.

مانع از تحصیلات دینی بود و در جریان اتحاد شکل گرفته بالاجبار دو یا سه ماه در کرهرود در منزل دامادش (آیت الله سید علی میریحیی) و مدتی هم در زادگاه خود هفته سکنی گزید. از وقایع زمان او بنا بر نقل آقای حاج شیخ علی فائض مسأله نماز جمعه بود که جمعیت اخباری مشرب إخوان از اتباع مرحوم شیخ عبدالرحیم اصفهانی ساکن طهران آن را واجب دانسته در حالی که او فتوا به حرمت در زمان غیبت داده بود، آنان از مرحوم حاج شیخ استفتاء نموده بر علیه او به تبلیغ پرداختند (کرهرودی، همان، ص ۱۰۸-۱۰۹).

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

سیدمحسن در اراک اقدام به خدمات دینی کرد. در مسجد حاج تقی خان اقامه جماعت کرد (دهگان، ۱۳۹۶ش، ص ۴۹). او یکی از مشایخ آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی از مراجع تقلید شیعه بود (شریف رازی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶). مرحوم آیت الله سید علی میریحیی داماد سیدمحسن هفته ای می گوید «سیدمحسن مردی زاهد و وارسته و صاحب ملکات فاضله و اخلاق کریمه بوده به خدمتش می رفتم کمتر سخن می گفت و به کار خود مشغول بود» (کرهرودی، همان، ص ۱۰). سیدمحسن هفته ای دارای سه پسر به نام های سید محمد میرصادقی - اهل فضل و شعر - سید حسین غروی و حجه الاسلام و المسلمین سید حسن غروی بود که فرد اخیر از تحصیل کرده های نجف اشرف بود و در حوزه های قم و اراک سابقه تدریس داشته و در اواخر عمر در تبریز سکونت اختیار نموده است. او دارای دو دختر نیز به نام های فاطمه خانم همسر آیت الله سید علی میریحیی اراکی و زهرا خانم همسر مرحوم منصور عزیز سلطانی اراکی بوده است. سیدمحسن هفته ای سرانجام در روز دوشنبه ۱۷، شوال، ۱۳۵۹ مطابق با ۲۸، آبان، ۱۳۱۹ ش در سن ۷۲ سالگی بر اثر سقوط از پنجره خانه مصدوم شد و به بستر افتاده و چندی بعد در شهر اراک از دنیا رفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ حجره سوم (آقاخانی) به خاک سپرده شد (جواهر کلام، همان، ج ۳، ص ۱۸۹۲-۱۸۹۳؛ کرهرودی، همان، ص ۱۰۹). مرحوم آیت الله سیدمحسن هفته ای از آیات سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی (شوال ۱۳۴۷) دارای

اجازه روایت و اجتهاد^۱ بود (باقری سیانی، ۱۴۰۱، ش، ۴، ص ۴۲۵).

۲. حاج آقامحسن عراقی ۱۲۴۷-۱۳۲۴ق^۲

سیدمحسن عراقی معروف به حاج آقامحسن عراقی (اراک) فرزند سید ابوالقاسم کهرودی و نوه حاج سید احمد کهرودی است. او یکی از عالمان قرن سیزده و چهارده هجری است. در سال ۱۲۴۷ متولد شد. پدرش میرزا ابوالقاسم از عالمان سلطان آباد (اراک) و جانشین حاج سید احمد کهرودی و از ملاکین این شهر بود. مادر حاج آقامحسن عراقی شهربانو دختر حاج محمد زمان بیک ایبک آبادی است. سیدمحسن عراقی مقدمات علوم دینی و سطوح را نزد پدر و جد خویش (حاج سید احمد کهرودی) فراگرفت. قسمت سطوح را نزد عموی پدر خویش مرحوم آیت الله سید محمد سلطان آبادی (کهرودی) فرا گرفت (دهگان، همان، ص ۲۱). سپس برای ادامه تحصیل به بروجرد رهسپار شد. در آن جا خارج فقه را نزد ملاسدالله معروف به حجه الاسلام^۳ و اصول را نزد سید شفیع جابلقی آموخت (خاکباز، همان، ص ۲۲-۲۳). او در بروجرد اجازه اجتهاد را از استاد خویش سید شفیع جابلقی دریافت کرد. سید شفیع جابلقی در اجازه اجتهاد خود به حاج آقامحسن از او به عنوان کسی نام می برد که به عالی ترین مرتبه اجتهاد دست یافته است. او می نویسد: «از کسانی که به آنان اجازه داده ام سید مورد اطمینان و اعتماد، راهبر تحقیق و پژوهش، قرار گرفته بر بلندای دقت و نکته سنجی، رسیده به درجه ارشاد و راهنمایی، اوج گرفته از جایگاه

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۶۰

۱. اجازه مرحوم میرزای نائینی به آیت الله سید محسن هفته ای، توسط محقق و تراجم نگار اصفهانی، آقای باقری سیانی در اختیار نگارندگان قرار گرفت که در این جا از او تشکر و قدر دانی می شود.
۲. علی اکبر خاکباز نوه مرحوم حاج آقا محسن سال تولد حاج آقا محسن را ۱۲۴۷ ذکر کرده است (خاکباز، همان، ص ۲۱)؛ ولی در «صدیق، ۱۳۷۲، ص ۶۲» سال ۱۲۴۲ ثبت شده است که به نظر می رسد تاریخ گذاری علی اکبر خاکباز به دلیل داشتن اطلاعات خاندانی معتبرتر است.
۳. از عالمان بزرگ در قرن سیزده هجری است. او در سال ۱۲۷۰ از دنیا رفت (معلم حبیب آبادی، ۱۳۷۴، ش، ج ۶، ص ۱۹۵۲).

پست تقلید به مرتبه بالای اجتهاد، روشنای چشمم و میوه دلم آقای سید محسن فرزند سید ابوالقاسم که اکنون عازم سفر حج است او پیش از سفر در سلطان آباد و اطراف آن به قضاوت میان مردم اشتغال داشت.»^۱ (الجایلی، ۱۳۹۲ ش، ص ۳۵۴؛ خاکباز، همان، ص ۲۳). حاج آقا محسن تفسیر را نزد سید جعفر کشفی^۲ خواند. او همچنین محضر درس ملا احمد نویسنده «المصابیح فی الاصول»^۳ ساکن دولت آباد (ملایر) - از شاگردان شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب مفصل ترین حاشیه بر معالم (هدایه المسترشدین) - را درک کرد.^۴ او در

۱. و منهم السید السند و الرکن المعتمد السالک فی مسالک التحقیق و العارج فی مدارج التدریج البالغ الی مرتبه الارشاد الصاعد من حسیب التقلید الی اوج الاجتهاد قره عینی و ثمره فزادی السید محسن بن السید ابوالقاسم و هو الآن مسافر الی طواف بیت الله الحرام و قبل المسافره کان مشغولاً بالقضاء بین الناس فی قصبه سلطان آباد و ماضاه.

۲. سید جعفر کشفی در سال ۱۱۸۹ در اصطهبانات متولد شد. او یکی از فقیهان، عارفان و مفسران قرآن کریم بود. در تفسیر قرآن نظیر نداشته است. او در سال ۱۲۶۷ در سن ۸۲ سالگی در بروجرد دیده از جهان فرو بست و در آن جا دفن شد. (معلم حبیب آبادی، همان، ج ۵، ص ۱۸۵۸؛ آزاد کشمیری، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۴۴۶).

۳. ملا احمد خوانساری نویسنده «المصابیح فی الاصول» در خوانسار متولد شد. او پس از سکونت در دولت آباد (ملایر) به ملا احمد دولت آبادی معروف شد. ملا احمد در بروجرد محضر علمی ملا اسدالله معروف به حجه الاسلام را درک کرد. در کربلا در درس شریف العلماء مازندرانی شرکت کرد. در اصفهان شاگرد شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه بر معالم (هدایه المسترشدین) شد و استاد او را بر بقیه شاگردان خود ترجیح می داد. از او فرزندان به جای ماند که همه عالم و فاضل بودند خصوصاً نوه او که معاصر است و فقیهی اصولی است و در دولت آباد (ملایر) ساکن شده است (صدر، بی تا، ج ۲، ص ۵۵).

۴. سید محسن امین، دو ویژگی شیخ احمد نویسنده «مصابیح الاصول» و استاد حاج آقا محسن عراقی را ذکر می کند: ۱. سکونت شیخ احمد در دولت آباد (ملایر) و ۲. شاگردی شیخ احمد نزد شیخ محمد تقی اصفهانی (امین، همان، ج ۹، ص ۴۶). نویسنده « خاندان محسنی اراکی» از عبارت نویسنده اعیان الشیعه در باره حاج آقا محسن (وقراً التفسیر علی السید جعفر الکشفی ثم علی الشیخ احمد صاحب المصابیح فی الاصول الساکن فی دولت آباد و تلمیذ الشیخ محمد تقی صاحب حاشیه المعالم) برداشت کرده که حاج آقا محسن درس شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه بر معالم را درک کرده است. او

سال ۱۲۷۸ به زیارت خانه خدا رفت.

در اواخر سال ۱۲۷۰ مرحوم آقای میرزا سید ابوالقاسم پدر حاج آقامحسن از دنیا رفت و فرزندش حاج آقامحسن جانشین پدر گردید و حوزه درس خود را در مدرسه سپهداری تشکیل داد (خاکباز، همان، ص ۲۴). گرچه در آن موقع علمای دیگری هم در اراک بودند که مجلس درس داشته اند؛ ولی دانش گسترده حاج آقامحسن و بیان فصیح او سبب جذابیت درس او و جذب طلاب شد (همان، ص ۲۵). حاج آقامحسن با این که یکی از ملاکان و ثروتمندان ایران بود ولی اشتغال به مباحث علمی را همواره مد نظر قرار می داد. در باره او

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۶۲

می نویسد: «چنانچه مرحوم آقای سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه مرقوم داشته اند، آقای حاجی آقا محسن تفسیر را نزد سید جعفر کشفی و اصول را نزد شیخ احمد صاحب مصابیح فی الاصول تلمذ نموده همچنین از حوزه درس مرحوم شیخ محمد تقی صاحب حاشیه المعالم استفاده نموده است (خاکباز، همان، ص ۲۳). پس از نویسنده «خاندان محسنی»، نویسنده «افتخار آفرینان استان مرکزی» و «آیات سرمد» نیز در قسمت اساتید مرحوم حاج آقا محسن، شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بر معالم را به عنوان چهارمین استاد یاد کرده است (نعیمی، همان، ۲، ۷۱؛ نعیمی، بی تا، ص ۸۴). به نظر می رسد گزارش شاگردی حاج آقامحسن نزد شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بر معالم صحیح نیست؛ زیرا حاج آقا محسن متولد ۱۲۴۷ است و شیخ محمد تقی اصفهانی متوفای ۱۲۴۸ است یعنی حاج آقامحسن در هنگام فوت شیخ محمد تقی اصفهانی یکی دو ساله بوده است بر این اساس شاگردی حاج آقا محسن نزد شیخ محمد تقی صاحب حاشیه منتفی است.

قابل یادآوری است تحصیلات مرحوم حاج آقا محسن در اراک و بروجرد بوده است. برخی از نویسندگان عتبات عالیات را نیز افزوده اند که به نظر می رسد این یکی از گزاره های «تاریخ انگارانه» است. توضیح آن که در سال های اخیر بسیاری از طلاب برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات می رفته اند برخی تصور کرده اند همه طلاب در همه زمان ها برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات اقدام می کردند برای مثال نویسنده «تاریخ عراق» در باره سید ابوالقاسم پدر حاج آقا محسن می نویسد: «فرزند دوم خود، حاج آقا محسن را که شخص عالم و فاضل بود، به عتبات عالیات برای تکمیل تحصیل فرستاد و بعد از مراجعت به تدریس اشتغال ورزید» (وکیلی طباطبایی تبریزی، ۱۳۹۵ق. ص ۴۵۳). همان گونه که ملاحظه می شود معلوم نیست نویسنده (رضا وکیلی طباطبایی تبریزی) در این باره چه مستندی داشته است؟. به دنبال «تاریخ عراق» صدیق نویسنده اراکی نیز می نویسد: «وی در عتبات عالیات تحصیل کرد» (صدیق، همان، ص ۶۲) در صورتی که کتاب های تراجم که به شرح حال حاج آقا محسن اقدام کرده اند هیچ یک به رفتن حاج آقا محسن به عتبات برای تحصیل اشاره ای نکرده اند.

نوشته اند: سید محسن عراقی گرچه شخصی ثروتمند بود؛ ولی در هر روز به سه درس یعنی خارج اصول، خارج فقه و اسفار ملا صدرا مشغول بود. در دانش رجال تسلط داشت و زمانی که حدیثی را نزدش می خواند اوصاف راوی را از حفظ بیان کرده و در صورت اعلان مجهول بودن راوی از سوی حاج آقامحسن معلوم می شد که سند حدیث ضعیف است. در ماه های رجب، شعبان و رمضان تفسیر نیز می گفت (همان، ص ۲۸).

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۶۳

از ویژگی های حاج آقامحسن عراقی بهاء دادن به علم و دانش و عالمان بود. او وقتی مطلع شد که آخوند میرزا علی اصغر خویی که در حکمت و فلسفه چیره دست و عازم عتبات است و فعلا در میانه راه چند روزی در سلطان آباد (اراک) توقف کرده به دنبالش فرستاد و از او تقاضای اقامت در این شهر را کرد. لذا در بیست و سه سال آخر عمر خویش با حکیم خویی به مباحثه فلسفی مبادرت می کرد (همان). شیخ آقابزرگ به گرایش حاج آقامحسن به فلسفه و فیلسوفان اذعان می کند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۷، ج ۱۱۲) طبق گفته نوه اش مرحوم حاج آقا حسن فرید محسنی (آیت الله حاج سید حسن فرید محسنی) او در سال ۱۳۲۵ از دنیا رفت و در مقبره اش که در دروازه شهر جرد واقع شده به خاک سپرده شد (همان؛ فراهانی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۹).

۲، ۱. شاگردان و شرکت کنندگان در درس حاج آقامحسن عراقی

هنگامی که مرحوم حاج آقامحسن به تدریس اقدام کرد، مجالس عالمان تدریس دیگر برپا بود؛ ولی به دلیل دانش فراوان و پی گیری مسائل علمی توسط آن مرحوم و کنار گذاشتن قضاوت میان مردم، مجلس درسش بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (خاکباز، همان، ص ۲۵-۲۸). مرحوم حاج آقامحسن در حدود ۵۴ سال که در حوزه علمیه سلطان آباد (اراک) - مدرسه سپهداری - به تدریس اشتغال داشت؛ توانست افرادی را جذب جلسه تدریس خود کند. در ادامه به نام برخی از آن ها اشاره می شود. روشن است افراد ذیل تعداد اندکی از شرکت کنندگان در درس خارج فقه، اصول و اسفار حاج آقامحسن می باشند.

۱. آخوند ملامحمد معروف به کبیر، نامبرده پدر آقاضیاء عالم مشهور اصولی در حوزه نجف است. ۲. آخوند ملامحمد علی معروف به جهان بانو. ۳. آخوند ملامحمد ابراهیم.
۴. آخوند ملاعباس. ۵. آخوند ملامحمد حسین معروف به کربلایی علی بابا. ۶. آقا میرزا

معصوم عموی آقا. ۷. آقا سیدشفیع عموی آقامحسن و پدر مرحوم آقانور. ۸. آخوند ملازین- العابدین امام مسجد حاج تقی خان.

۳. تراجم نگاران و سیدمحسن عراقی

گاهی نسبت های گوناگون (روستا، بخش و شهر) درباره یک شخص سبب می شود تراجم نویس از یک فرد تصور دو شخص را داشته باشد؛ لذا در آثار خود دو عنوان را مطرح کند. به نظر می رسد در باره سیدمحسن عراقی معروف به حاج آقامحسن و سیدمحسن عراقی هفته ای (معروف به حاج سیدمحسن) این اشتباه روی داده است. سید حسن صدر نویسنده «تکمله امل الامل» پس از معرفی حاج آقا محسن عراقی با عنوان «الحاج آقامحسن السلطان آبادی» می نویسد: «سید بزرگوار، فاضل دانا و هوشیار، دانا به فلسفه و ترویج کننده حکیمان و فیلسوفان، دل بسته فراوان به الهیات، مطلع بر علوم شرعی، او در ترویج علم و عالمان از خود آثاری برجای گذاشته است. مدرسه ای زیبا در سلطان آباد بنا کرد و موقوفاتی را برای آن تعیین کرد. او یکی از اشراف سادات بزرگوار و ثروتمند در عصر ما بود او دارای فرزندی است که تعدادی از آنان عالم و فاضل هستند. فرزندان او بانی کارهای خیر می باشند. حاج آقامحسن سلطان آبادی اخیرا از دنیا رفته است. او نزد حاج ملاسیدالله بروجردی درس خوانده بود (صدر، بی تا، ج ۴، ص ۲۹۸)^۱ نویسنده مذکور مجددا به زعم خود شخص دیگری را با عنوان «السیدمحسن ابن ابی القاسم السلطان آبادی» معرفی می کند و درباره او می نویسد: «استادش سید محمد شفیع که به او اجازه اجتهاد داده بود درباره او در الروضه البهیه می گوید: از آن جمله استاد دقیق و رکن مورد اعتماد و فردی در پی تحقیق بود و در امور

پژوهش نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۶۴

۱. السید الجلیل و الفاضل النبیل عالم بالعلوم العقلیة و مروّج لعلماء المعقول، کثیر الشغف بالعلم الإلهی، له إمام فی العلوم الشرعیة أيضا. له آثار فی ترویج العلم و العلماء، و بنی مدرسة حسنة فی بلده و عین لها أوقافا. کان من السادات الأشراف الأجلاء المثرین فی عصرنا، و له أولاد عدّة فضلاء علماء، کثر الله أمثالهم، لهم المساعی الخیریة. توفی عن قریب. کان من تلامذة حجّة الإسلام الحاج ملا أسد الله البروجردی.

تحقیق به مدارج عالی رسید و از مرتبه پایین تقلید به مرتبه عالی اجتهاد رسید شادی چشم من و ثمره قلبم، سید محسن بن ابی القاسم است که اینک برای طواف حرم خانه خدا رهسپار است. او پیش از این مسافر، به قضاوت بین مردم قصبه سلطان آباد و اطراف آن مشغول بود.» (صدر، همان، ج ۴، ص ۳۰۱).^۱

سید حسن صدر در معرفی فرد دوم، سید شفیع جاپلقی را استاد وی برمی شمارد که به او اجازه اجتهاد داده است. او تصور کرده است که «سید محسن فرزند ابوالقاسم سلطان آبادی» و شاگرد سید شفیع الدین جاپلقی غیر از «حاج آقامحسن سلطان آبادی» و شاگرد حاج ملا اسدالله بروجردی است در صورتی که در زیست علمی حاج آقامحسن عراقی اشاره شد او فرزند سید ابوالقاسم و شاگرد سید شفیع الدین جاپلقی و آخوند ملا اسدالله بروجردی است و هر دو عنوان گویای یک تن است و بدین شکل تصور یک عالم دیگر برای سلطان آباد مبادرت می کند. در حالی که هر دوی آنها یک فرد هستند. اشتباه تاریخی نیز که درباره حاج آقامحسن ذکر می کند بنای مدرسه ای در اراک است که در معرفی فرد اول به آن اشاره می کند در صورتی که هیچ مدرسه علمیه ای توسط حاج آقامحسن بنا نگردید بلکه مدرسه ای که حاج آقامحسن در آن تدریس می کرد مدرسه علمیه سپهداری است که توسط بانی شهر اراک یعنی یوسف خان سپهدار گرجی ساخته شده است. به نظر می رسد اشتغال و تمرکز سید حسن صدر بر فقه و اصول سبب گردیده که سید محسن عراقی را دو تن تصور کند و در کتاب خویش دو عنوان برای آن دو ذکر کند.

مشابه اشتباه سید حسن صدر نسبت به حاج آقامحسن را شیخ آقابزرگ تهرانی در اثر خود «طبقات اعلام الشیعه» نسبت به سید محسن کزازی مرتکب می شود و به معرفی دو «سید محسن» یکی با عنوان «السید محسن العراقي» و دیگری «السید محسن الکزازی السلطان آبادی» اقدام می کند که با دقت بیشتر می شود فهمید هر دوی آنها یک تن هستند و او از برخی اوصاف سید محسن کزازی

۱. ذکره أستاذة السيد محمد شفیع فیمن أجازة قال فی الروضة البهیة: و منهم السيد السند و الرکن المعتمد السالك فی مسالك التحقیو العارج فی مدارج التدقیالبالغ إلى مرتبة إرشاد الصاعد من حضيض التقليد إلى أوج الاجتهاد، قرّة عینی، و ثمره فؤادی، السيد محسن بن أبی القاسم، و هو الآن مسافر إلى طواف بیت الله الحرام. و قبل المسافرة كان مشغولاً بالقضاء بین الناس فی قصبه سلطان آباد و ما ضاهاها

يك عالم و از برخی اوصاف دیگر عالمی دیگر تصور کرده است. به عبارت دیگر یک سیدمحسن هفته‌ای کزازی سلطان آبادی عراقی وجود خارجی دارد اما شیخ آقابزرگ دو عالم معرفی کرده است. او یکجا در ذیل عنوان «السیدمحسن العراقي» می‌نویسد: «سیدمحسن عراقی متوفای ۱۳۵۹ یکی از عالمان با فضل و کمال و از بزرگان عالمان بود. آغاز تحصیلش در مدرسه صدر تهران بود سپس در حدود سال ۱۳۱۹ به نجف مشرف شد. او در درس آخوند خراسانی شرکت کرد و بسیاری از تقریرات آن درس را نوشت. در نجف علاوه بر شرکت در درس آخوند خراسانی به تدریس سطوح برای برخی از طلاب مدرسه میرزا حسین طهرانی روی آورد. همچنین در رواق حرم امیرالمؤمنین علی (ع) به اقامه نماز جماعت پرداخت. طبق گفته فرزندش سید حسن که هم اکنون از طلاب نجف است. سیدمحسن عراقی پس از ۲۷ سال اقامت در نجف در سال ۱۳۴۶ به اراک بازگشت و در سال ۱۳۵۹ از دنیا رفت و در قم به خاک سپرده شد» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۷، ص ۱۰۹)؛ شیخ آقابزرگ تهرانی در جای دیگر از اثر خویش در ذیل واژه «تقریرات» به معرفی بیشتری از همین سیدمحسن عراقی پرداخته و می‌نویسد: «تقریرات از آن سیدمحسن عراقی متوفای ۱۳۵۹ است. آغاز تحصیلش در مدرسه صدر تهران بود و حدود سال ۱۳۱۹ به عتبات عالیات هجرت می‌کند. او در درس استاد ما میرزا حسین طهرانی و آخوند خراسانی شرکت کرده و تقریرات درس آن دو را نوشته است. او برای برخی از طلاب در مدرسه کوچک میرزا حسین طهرانی درس می‌گفت و در رواق حرم امیرالمؤمنین علی (ع) به اقامه نماز جماعت پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۶ به اراک بازگشت و مرجع دینی مردم شهر شد تا این که در سال ۱۳۵۹ از دنیا رفت» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۸۳)².

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۶۶

۱. السید محسن العراقي... - ۱۳۵۹، عالم فاضل کامل، من الأفاضل الأجلاء. كان أوائل اشتغاله بطهران في مدرسة الصدر. ثم تشرف بالنجف قریب سنة ۱۳۱۹ و اختص ببحث شيخنا العلامة الآخوند ملاً محمّد كاظم الخراسانی، و كتب كثيرا من تقریرات بحثه و له تدریس في السطوح لبعض الطلاب بالنجف في مدرسة شيخنا العلامة الحاج میرزا حسین الطهرانی، و یقیم الجماعة بالرواق الشریف. و رجع إلى العراق سنة ۱۳۴۶ و توفی بها سنة ۱۳۵۹ و حمل إلى قم كما ذكره ابنه المشتغل السید حسن.
۲. تقریرات: للسید محسن العراقي (المتوفی بها ۱۳۵۹) كان أوائل اشتغاله بطهران في مدرسة الصدر، و هاجر إلى العتبات (حدود ۱۳۱۹) و كان یحضر أبحاث الآیتین شيخنا الحاج میرزا حسین الطهرانی و

شیخ آقابزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» مجدداً به معرفی سید محسن عراقی با عنوان «السید محسن الکزازی السلطان آبادی» اقدام کرده است. او می‌نویسد: «سید محسن کزازی سلطان آبادی (۱۲۸۷-۱۳۵۹) فرزند سید محمد حسینی کزازی هفته‌ای سلطان آبادی عالمی با فضل بود. او یکی از شاگردان استاد ما آخوند خراسانی و دیگر اساتید نجف بود. تقریرات درس آخوند خراسانی را می‌نوشت. همه مجلدات «جواهر الکلام» را تصحیح کرد. در رواق حرم امیر المؤمنین علی (ع) به اقامه نماز جماعت پرداخت. در سال ۱۳۴۷ به اراک بازگشت و در آن جا مرجع دینی مردم شد. او پس از هفتاد دو سال زندگی در سال ۱۳۵۹ دیده از جهان فرو بست. فرزندش سید حسن متولد ۱۳۴۸ هم اکنون از طلاب نجف است» (همان، ۱۴۳۰ق، ج ۱۷، ص ۱۲۸).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

همچنان که دیده شد شیخ آقابزرگ تهرانی دوبار در کتاب طبقات اعلام الشیعه به معرفی عالمی اراکی با نام سید محسن در دو عنوان «السید محسن العراقي» و «السید محسن الکزازی السلطان آبادی» پرداخته است که هر چند توصیفات او از آن دو به شدت به یکدیگر نزدیک است و تنها در مورد دوم به اشتباه نام پدر او را به جای «سید علی اکبر» «سید محمد» ذکر می‌کند اما همینکه نام آنها را در کتاب خود در ذیل دو عنوان می‌آورد؛ می‌توان گمان کرد که نویسنده تصور کرده است ایشان دو فرد متفاوت هستند. به نظر می‌رسد آن چه سبب شده که شیخ آقابزرگ تهرانی سید محسن عراقی و سید محسن کزازی را دوتن تصور کند، بی‌توجهی به روستای هفته به عنوان یکی روستاهای بخش کزاز است. نکته دیگری که می‌بایست به آن

المولی الخراسانی، و کان یکتب تقریراتهما، و یدرس بعض الطلاب فی المدرسة الصغیرة للحاج الطهرانی، و یمیم الجماعة فی الرواق الشریف اخیراً، ثم رجع إلى العراق (أراک) (حدود ۱۳۴۶) و کان مرجعاً بها إلى أن توفی

۱. السید محسن الکزازی السلطان آبادی، ۱۲۸۷-۱۳۵۹، هو السید محسن بن السید محمد الحسینی الکزازی الهفتی السلطان آبادی؛ عالم فاضل. کان من تلامیذ شیخنا الخراسانی و غیره، و کان یکتب تقریراته. و صحّح جمیع مجلّات الجواهر، و یمیم الجماعة فی الرواق. و رجع إلى العراق سنة ۱۳۴۷ و صار مرجعاً بها. و توفی فی سنة ۱۳۵۹ عن اثین و سبعین عاماً. و ابنه السید حسن المولود سنة ۱۳۴۸ من المشتغلین.

توجه کرد اینک، نویسنده دیگری به پیروی از شیخ آقابزرگ تهرانی، پدر سیدمحسن هفته‌ای را سید محمد ذکر کرده (جواهر کلام، همان، ج ۳، ص ۱۸۹۲) که نادرست است.

نتیجه گیری

متن بررسی نشان داد که دانش تراجم نویسی در معرفی کارنامه علمی عالمان نقش بی بدیلی دارد. این دانش با همه اهمیتی که در معرفی کارنامه عالمان دارد، با آسیب‌هایی روبه روست که بی توجهی به آن‌ها نگارش تاریخ علم را از دقت کافی تهی می‌کند و تحلیل‌های بی پایه را پدید می‌آورد. دوتن‌انگاری یک تن، از آسیب‌هایی است که گاه تراجم‌نگاران دچارش شده‌اند. در تاریخ اراک دو عالم با عنوان "سیدمحسن عراقی" نامبردار هستند. یکی معروف به حاج آقامحسن اراکی و دیگری معروف به حاج سیدمحسن هفته‌ای که سید حسن صدر در کتاب خویش سیدمحسن عراقی معروف به حاج آقامحسن را، دوتن تصور کرده و شیخ آقابزرگ تهرانی نیز سیدمحسن عراقی معروف به حاج سیدمحسن هفته‌ای را، دوتن محسوب کرده است. در نتیجه ما با چهار سیدمحسن عراقی مواجه هستیم. گفتنی است با مراجعه به منابع اصیل تراجم‌نگاری و دقت در عناوین آن آثار معلوم شد، تصور مذکور صحیح نیست.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

منابع

- احمدی، علی، «دوتن‌انگاری در تاریخنگاری اسلامی»، مجله انسان و تمدن، ش ۲۳، ۱۴۰۰.
- اکبری، مهدی، «خاستگاه دوتن‌انگاری و تأثیر آن بر شناخت شخصیت‌های تاریخی»، فصلنامه تاریخ و اندیشه، ش ۱، ۱۴۰۱.
- امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳.
- آزاد کشمیری، محمد علی بن محمد صادق، نجوم السماء فی تراجم العلماء، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۷.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، طبقات أعلام الشیعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳۰.
- باقری سیانی، مهدی، اجازات، اسناد و استفتاءات آية الله سيد ابوالحسن اصفهانی، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۴۰۱.
- جابلقی، سید محمد شفیع، الروضه البهیه فی الاجازة الشفیعیة، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۲.
- جناب، علی، رجال و مشاهیر اصفهان (الاصفهان)، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
- جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، قم، انصاریان، ۱۴۲۴.
- حسینی، سارا، بررسی دوتن‌انگاری در متون ادب فارسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- خاکباز، علی اکبر، خاندان محسنی اراکی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۱.
- دهگان، ابراهیم، نور مبین، تاریخچه زندگانی آیت‌الله فقیه مرحوم آقا نورالدین عراقی، اراک، دانش کیان، ۱۳۹۶.
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
- شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامی، بی‌تا.
- صدر، حسن، تکمله أمل‌الآمل، تحقیق حسین‌علی محفوظ، بیروت، دار المؤرخ العربی، بی‌تا.
- صدوقی سها، منوچهر، تاریخ حکما و عرفای متأخر، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.
- صدیق، حسن، نامداران اراک، اراک، بی‌نا، ۱۳۷۲.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

- فراهانی، کمال‌الدین، بنی فاطمه در استان مرکزی، قم، وثوق، ۱۳۸۶.
- کرهرودی، رحمت‌الله، علامت‌های ظهور با مقدمه‌ای در حالات و انساب سادات کرهرود، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۳۸۳.
- معلم حبیب‌آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ۱۳۷۴.
- نعیمی، داود، افتخار آفرینان استان مرکزی، قم، کومه، ۱۳۸۵.
- نعیمی، داود، آیات سرمد، اراک، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مرکزی، بی‌تا.
- وکیلی طباطبایی تبریزی، رضا، تاریخ عراق (سلطان‌آباد عراق. اراک)، ویراستار محمد مددی، تهران، آیندگان، ۱۳۹۵.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴